

پرنده آبی

لنگ نمی‌پوشیم

گیسو ففغوری

● آقای ولایتی در گفت‌وگو با ایسنا، چهار، پنج روز پیش، مردم ایران را به پیروی از مردم یمن تشویق کرده است. او که به مناسبت هفته دفاع مقدس سخن گفته، به رفتارهای ترامپ اعتراض کرده و با توصیف ترامپ به‌عنوان یک «هفت‌تیرکش افسارگسیخته و کابوی آمریکایی» گفته: «این مرد (ترامپ) محبط (پریشان‌عقل) کاباره‌دار، کارپنودار به جان دنیا افتاده است و در این شرایط چاره این است که به فکر خود باشیم و به هیچ‌کس و هیچ کشوری اطمینان نکنیم، مگر اینکه اطمینان قطعی داشته باشیم». اما نکته‌ای از سخنان او که توانست خوانندگان این مطلب را بهت‌زده کند، این جملات است: «از یمنی‌ها یاد بگیریم، که چگونه در برابر تهدید و تحریم مقاومت می‌کنند. به‌جای لباس، لنگ می‌پنند و اسلحه به دست دارند و چند تکه نان خشک دستشان است، با پای پیاده و سعادوی‌ها از دست اینها عاجز شده‌اند».

واکنش‌های ابتدایی و احساسی بسیاری در شبکه‌های اجتماعی، اشاره به ۳۸ شغل، خانه سعدآباد، ماشین گران‌قیمت و حتی برخی به وزنیت ۷۰ هزارتومانی‌اش بود.

بسیاری با توجه به جایگاه ایشان به‌عنوان عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، این سوال را مطرح کردند که آیا این سخنان حکایت از سیاست روزهای آینده نظام و کشور دارد؟

اما برخی دیگر انتظاراتی را مطرح کردند که از مسئولان نظام داشتند. هرچند در این مدت بارهاوباره مسئولان از سختی‌های پیش‌رو گفته‌اند و اینکه باید اشکنه بخورند یا اینکه فقط دو وعده در روز غذا بخورند، اما شاید هیچ مسئولی به اندازه ایشان نتوانست سختی راه را به صورت عریان ترسیم کند. ایشان از نان خشک و لنگ مثال آورد، بدون درنظرگرفتن اینکه چقدر شناختن از شرایط واقعیت متفاوت است؟ واقعا این چه شیوه وعده‌دادن به جامعه است؟ چه کسی آرزو یا انتظار دارد سرنوشتی مانند یمن نصیب ایران شود؟ مردمی که رفتارهای هیجانی‌شان در این دو ماه گذشته نشان از نگرانی‌شان داشت، انکار فراموش کرده‌اند که اولین نکته در دعوت به مقاومت، روحیه‌دادن است. تمام آن هشت سال مقاومت جانانه در جنگ تحمیلی را اگر در نظر بگیریم این نکته را کاملاً درمی‌یابیم. برای مردم ایران که سال‌ها تجربه دفاع مقدس را داشته‌اند، فرماندهان موفق مانند همت و باکری، صحنه‌های حضور مقام معظم رهبری و مرحوم فسنجانی در جبهه به‌یادماندنی است. آنان در لحظات سخت همراه رزمنده‌ها و مردم بودند.

نکته بعدی این است که مگر نباید خود ایشان و دیگر مسئولان گام اول را بردارند تا بقیه همراه آنها شوند؟ مگر پیش‌روبودن جزء رموز سیاست‌مداری نیست؛ چه در زمان حضرت علی (ع) و چه اکنون و با شیوه‌های مدرن؟ مگر می‌شود مسئولی خود این‌گونه زندگی نکند، ولی انتظار داشته باشد که مردم از سخنانش حمایت کنند؟ خود جناب ولایتی توانست در کمپین فرزندان کجاست واقعیت را بگوید؟ به‌هرحال این انتظار از ایشان هست که حداقل از خودش آغاز می‌کرد و از سمت‌هایشان استعفا می‌داد. با لاقال از اطرافیان خود درخواست می‌کرد، حتما همان‌طور که در شبکه‌های اجتماعی مطرح شده است این کمپین را مسئولان می‌توانند خودش آغاز کنند و اگر واقعا راه‌حل در لنگ بستن و نان خشک خوردن است، بسم‌الله! امکان ندارد کسی مانع پیوستن صاحب‌منصبان به این کمپین/ پوشش شود. آن‌طور که می‌دانیم، قبلاً از عنوان ساده‌زبستی هم استفاده می‌شد. به‌هرحال قطعاً زندگی طبقات پایین به اندازه کافی دشوار شده است که نیازی به چنین درس‌هایی نداشته باشند. انتظارات ساده‌ای از آقای ولایتی مطرح می‌شود؛ از خودش آغاز کند، لیست اموال بدهد، از شغل‌هایش استعفا دهد و راه را برای جوانان باز کند، اما شاید مهم‌تر از همه این است که در نظر داشته باشیم هیچ‌کس نباید برای این آرزوی یمن‌شدن داشته باشد و نخواهد چنین سرنوشتی برای کشورمان در راه باشد.

پیشخوان

پشت و روی واقیت

● چهاردهمین شماره «سینمای هنروتجربه» منتشر شد. در این نشریه که امیرحسین علم‌الهدی مدیرمسئول و کیوان کتیریان سردبیر آن است، علاوه بر نقد و بررسی فیلم‌هایی که اکنون در اکران گروه هنر و تجربه روی پرده است، نگاهی نیز به فیلم‌های «لیلی با من است» به کارگردانی کمال تبریزی شده و کتاب «کیارستمی، پشت و روی واقعیت» نوشته یوسف اسحاق‌پور معرفی شده است. میزگردی با حضور کارگردان‌های فیلم‌های کوتاه تابستان از دیگر بخش‌های این شماره است. فیلم‌های «رزم‌آرا، یک دوسیه مسکوت»، «ترومای سرخ»، «دو لکه ابر»، «اجاری» و «فرشاد آقای گل»، از جمله آثار سینمایی هستند که منتقدانی مانند همایون امامی، عزیزالله حاجی‌مشهدی و پیروز کلانتری در این شماره ماهنامه به آنها پرداخته‌اند. «سینمای هنروتجربه» مهر ۹۷ در ۱۶۴ صفحه ۱۰ هزار تومان قیمت‌خورده است.

روزنامه شتر

دوشنبه ۹ مهر ۱۳۹۷ • ۲۱ محرم، ۱۴۴۰ • ۱۱ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۳۲۵۶ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۵:۵۴ • اذان مغرب ۱۸:۰۷ • اذان صبح فردا ۴:۴۶ • طلوع آفتاب ۶:۰۰

روزنفرها

کارتون خواب

جیمز فرابر

رییس اصناف گیلان: بدترین احتکار موجود در کشور از نوع خانگی است.



پناهجویان

به دنبال ۵ دقیقه صلح

آنگ سان سوچی، شخصیت شناخته‌شده برمه‌ای، برنده جایزه نوبل است. اما هنگامی که مسلمانان روهینگایی محل خشونت و نسل‌شکی قرار گرفتند، هیچ اعتراضی نکرد. به‌تازگی کانادا جایزه‌ای را که به او به‌عنوان فعال صلح داده بود، پس گرفت. بسیاری نیز به جایزه نوبل او اعتراض کرده‌اند و درخواست پس‌گرفتن جایزه او را داشته‌اند. با تمام نگرانی‌ها و همراهی‌هایی که سازمان ملل برای بهبود وضعیت پناهنده‌های مسلمان روهنگیا در بنگلادش انجام می‌دهد، دورنمای روشنی در برابر آنها قرار ندارد. در این میان، زنان مسلمان که از خشونت، آتش، تجاوز و... زنده مانده‌اند، روزگار تلخی را سپری می‌کنند. عایشه بیگم، از پناهندگانی است که همراه شش فرزندش در یکی از چادرها زندگی می‌کند. هنگامی که گرازشگر به دیدار او رفته بود، باران سیل‌آسایی می‌بارید و صدای بلند رعدوبرق آنها را می‌ترساند. بیوه روهینگایی می‌گوید: «این تنها یک توفان است، اما شاید همه ما را از بین ببرد». او گفت: «این باران‌ها مانند شلاق بر سقف خانه‌هایمان فرود می‌آید. من برای فرزندانم می‌ترسم؛» البته او به کودکانش دل‌داری می‌دهد: «ما در رحمت خدا هستیم».

عایشه ۴۵ساله یکی از صدها هزار نفر از زنان، کودکان و مردانی است که از تابستان گذشته برای فرار از خشونت مرگ‌بار در میانمار فرار کرده است و در معرض سیل و آفتاب در بزرگ‌ترین مرکز پناهندگی بنگلادش زندگی می‌کند. حمیده خاتون، ۲۵ساله، در یک کلبه bambu و پلاستیکی زندگی می‌کند که با کیسه‌های شن و ماسه و ریشه‌های درخت محاصره شده است. او می‌گوید: «هرآنچه را که می‌توانستیم برای امنیت انجام دادیم، اما ما وحشت‌زده‌ایم. ما نیاز به کمک داریم».



زنده بمانیم کافی نبود». حالا آنها می‌خواهند قدمی رو به جلو بردارند؛ می‌خواهند بخشی از کشورشان باشند، اگر فرصت داشته باشند. یکی از آنان می‌گوید: «یک روز از ۲۴ ساعت ساخته شده است، اما من در طول زندگی‌ام حتی پنج دقیقه هم صلح نداشته‌ام». محمد سیدجعفری، ۲۵ساله معلم است، اما بدون حقوق اساسی، او حتی قادر به ثبت‌نام یک دانش‌آموز نیست. او می‌گوید: «فقط در خانه درس خواندم، حالا هم می‌خواهم به دیگران یاد بدهم، اما امکان ندارد». او مایوسانه می‌گوید: «من امیدم را از دست دادم». تنها راه آنها پس از حمله به روستایشان فرار بود. این چهار نسل در بنگلادش هرگز زندگی واقعی نداشته‌اند. الی احمد یکی از این افراد می‌گوید: «می‌خواهم صدای جهانی برای کمک به تقریباً یک میلیون پناهنده روهینگایی به اندونزی سفر کرده‌اند. قرار است کمکی ۹۰۵میلیاردی انجام شود، اما تنها ۲۶ درصد

فریدون مدیقی

شما البته خردمند هستید. چون مسئول هستید. خردمند می‌تواند حکیم باشد، یعنی طبیب حوزه مسئولیت خویش و صاحب حکمت باشد. یعنی علم و عقل رسیدن به واقعیت و حقیقت را بداند. من اما نه. چون شهرنشین ساده‌ای بیش نیستم؛ یعنی نه فرزانه و نه دانشمند و نه صاحب معرفت که همه این اوصاف از آن حکماست. اما شنیده‌ام حکمت‌ورزی حکما و پیشرفت در حکمت موجب کاهش تندی و تلخی در هر موضوعی می‌شود آن سان که روز و شب ما مردمان مطیع و محبوب تبدیل به کارزار نبرد تن به تن و جنگ‌های شدید لفظی و بی‌پایان نشود تا جمعیتی قابل‌تأمل از ما کارمان به روان‌شناس و کلانتری نرسد. اما و متأسفانه اغلب این‌گونه نیست یعنی زندگی روزانه ما سرشار از اتفاقات عجیب و برخوردهای

نگاه سبز

امروز باید چگونه رفتار کنیم؟



۱. دست‌کم نسل امروز ایران، چنین تورم شتابناکی را به یاد ندارد. حتی در دوره جنگ تحمیلی هم سابقه نداشته که قیمت اجناس مورد نیاز مردم چنین افزایش یافته و از ارزش پول ملی، این‌گونه کاسته شود؛ رخدادی که علاوه‌بر تشدید موج ناامیدی، نگرانی و افسردگی، خیلی‌ها را به سوی قفسه‌های فروشگاه‌ها هدایت کرده تا بیش از نیاز خود، کالا احتکار کنند. اینک وظیفه ما کنشگران جامعه مدنی و به‌ویژه فعالان حوزه محیط‌زیست چیست؟

۲. مهم‌ترین انتظار از حاکمیت و دولت این است که با مردم پیوسته گفت‌وگو کرده، واقعیت را شفاف اعلام کنند و بگویند؛ طرح و برنامه آنها برای مقابله با گرانی دقیقاً چیست؟

۳. به‌هیچ‌وجه به انتشار اخبار ناامیدکننده در شبکه‌های اجتماعی اقدام نکرده و درعوض بکوشیم با ارانه مستنداتی از رفتارهای همدلانه و یاری‌های بی‌منت مردم، روحیه جمعی را در برابر حمله

تورم‌زایی تقویتی دولاد ترامپ حفظ کنیم. ۴. دولت برای صرفه‌جویی و نهادهای اقتصادی مقاومتی، از کارمندان خود بخواهد تا آنجا که می‌توانند به‌جای تردد با خودروهای دولتی و مصرف سوخت، از وسایل حمل‌ونقل عمومی یا دوچرخه استفاده کنند.

۵. آموزش‌وپرورش و وزارت علوم با صدور بخش‌نامه و هماهنگی با پلیس راهور و شهرداری‌ها، دانش‌آموزان، دانشجویان و کادر خود را تشویق به استفاده از دوچرخه کنند.

۶. روحانیون جامعه آشکارا مردم را دعوت به ساده‌زیستی و استفاده از دوچرخه کرده و خود مانند امام‌جمعه تبریز از اتوبوس شرکت واحد برای تردد استفاده کرده با راکب بزنند.

۷. رستوران‌های دولتی و دانشگاه‌ها و مدارس دست‌کم دو روز در هفته از پخت غذاهای حاوی پروتئین حیوانی خودداری کنند و درعوض با ارائه غذاهای متنوع گیاهی، کشور را مهیای شرایط بحرانی

در حوزه آب و مدیریت انتشار گازهای گلخانه‌ای کنند. ۸. عرضه ابریکان کیسه‌های پلاستیکی در فروشگاه‌ها ممنوع اعلام شده و مردم تشویق به استفاده از کیسه‌های پارچه‌ای چندبار مصرف شوند.

۹. حاکمیت باید از هر نوع رفتاری که تنش‌های امنیتی را افزایش و نشاط را کاهش داده ممانعت کرده، از رسانه ملی بخواهد بر محتوای برنامه‌های شاد خود افزوده، اجازه برگزاری کنسرت‌های موسیقی در همه شهرها داده شود و حضور خانواده‌ها در ورزشگاه‌ها توصیه شود.

۱۰. ما باید به تمامیت‌خواهان کاخ سفید و تل‌آویو نشان دهیم که شما نمی‌توانید شاهد فروپاشی عزت، اقتدار، شادی و استقلال مردم ایران باشید. ما مقاومت خواهیم کرد و دوران شکوهمندانه‌تری از سازندگی و همدلی ملی را به نمایش خواهیم گذاشت.

یادداشت

حکما، پرنندگان و مردمان محبوب

بهار نباید فکر کنند روی کلاه یا سرشانه پالتوی آویخته به بند کهنگی به‌جای مترسک یا لنگه‌گشش گم‌شده ما می‌توانند آشیانه بسازند. نه حق چنین کاری را ندارند. درست است ما بی‌خردیم و حکیم نیستیم اما بی‌خبر نیستیم و می‌دانیم پرروفتی‌ترین کسب‌وکار این روزها کلاهبرداری و کلاه‌گذاری است. آمار چک‌های برگشتی مثلاً ۹میلیون و ۶۰۰ هزار برگ به مبلغ هشت‌هزارو ۷۰۰ میلیارد تومان، هر کوپتری و گشش‌دوژکی را وسوسه می‌کند چه برسد به کرکسان در پی طعمه. یک پرسش ساده از حکما: آیا دیگر حال‌وحصله حکمت‌ورزی ندارید که ما بی‌خردان از دست خودمان خسته شده‌ایم تا جایی که برخی از ما حتی از شنیدن نغمه بلبل و چیک‌چیک گنجشک هم گذشت‌ایم و از بلندای درختی یا بالابلندی پلی سرریز می‌شویم تا صفحه حوادث روزنامه‌ها را قرمزتر کنیم؟ اصلاً آیا ما جزء آن گروه از مردمانی هستیم که چون حکیم نیستیم پس خود را جدی نمی‌گیریم، پس فرهنگ و تاریخ خود و مواهب آن را فراموش کرده و از دوست‌داشتن یکدیگر صرف‌نظر کرده‌ایم.

دور دنیا

یک صندلی در کلاس برای هر کودک

۴» تصویب شد. اهمیت یافته و به چالشی تبدیل شده است. درحال‌حاضر ۷۵ میلیون کودک درگیر جنگ‌ها و مناقشات و بحران‌های انسانی هستند و نیاز به حمایت آموزشی دارند. فقط یک‌چهارم از کودکان پناهنده به امکانات آموزش متوسطه دست می‌یابند و فقط یک درصد امکان تحصیلات عالی پیدا می‌کنند.

به‌علاوه پیش‌بینی شده است که حدود ۴۰۰ میلیون کودک در جهان امکان تحصیل بیش از تحصیلات ابتدایی را نخواهند یافت و بیش از ۸۰۰ میلیون نفر- نیمی از دانش‌آموزان جهان- به سن بلوغ می‌رسند بدون آنکه بتوانند واجد شرایط و صلاحیت‌های نیروی کار مدرن باشند.

وظیفه بسته‌شدن این شکاف‌ها را نمی‌توان فقط برعهده کشورهای فقیر گذاشت. هر ساله ۱۲ میلیارد دلار کمک‌های آموزشی در سراسر جهان پرداخت می‌شود. اما حتی اگر همه کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط پایین هزینه‌های آموزش‌وپرورش خود را دو برابر کنند و عملکرد خود را آن‌قدر بالا ببرند که به کشورهای با درآمد بالا برسانند، هنوز هم یک خلا مالی چند میلیاردلاری وجود دارد.

از همین‌رو، اکنون تلاش‌های مهمی در جهت تقویت و گسترش برنامه‌های کمک موجود صورت می‌گیرد. «کمیسین بین‌المللی تأمین فرصت‌های آموزشی جهانی» -همراه با بانک جهانی و دیگر وام‌دهندگان چندجانبه، تعدادی از زیرمجموعه‌های سازمان ملل متحد و برنامه همکاری جهانی برای آموزش‌وپرورش» و «آموزش‌وپرورش نمی‌تواند صبر کند» - برنامه‌ای برای پرکردن شکاف تأمین مالی خارجی ارائه کرده است. هدف این است که تا سال ۲۰۳۰،

صندلی‌های کلاس در اختیار ۲۰۰ میلیون کودک نیازمند قرار گیرد. در این طرح یک نهاد مالی جدید دو میلیارد دلار از کشورهای اهداکننده جلب می‌کند و هشت میلیارد وام اضافی از بانک‌های توسعه چندجانبه تأمین می‌کند و به‌ازای هر دلار کمک اضافی حدود چهار دلار در منابع جدید برای آموزش آزاد هزینه خواهد کرد. این طرح از حمایت بانک جهانی، سازمان ملل متحد و تمامی بانک‌های بزرگ توسعه منطقه‌ای برخوردار است.

این نسل فرصتی در اختیار دارد تا وعده آموزش عالی برای همه محقق شود، به شرط آنکه ما وجوه مورد نیاز برای ارائه یک صندلی در کلاس برای هر کودک را فراهم کنیم. برای رسیدن به این هدف، جوانان و سازمان‌های غیردولتی باید از رهبران جهان بخواهند که اقدام کنند.

ما دیگر نمی‌توانیم و نباید دنیایی را تحمل کنیم که در آن فقط برخی از جوانان فرصت آن را داشته باشند که قابلیت‌های بالقوه خود را محقق کنند. همه مردم حق دارند استعدادهای خود را به منصفه ظهور برسانند و رهبران سیاسی کشورها وظیفه دارند هر مانعی را از سر این راه بردارند.

پیشنهاد



میرزاخانی، لیلا نصیری‌ها، کیژلا وارکا سینیایی، مریم هاشم‌پور، علیرضا هاشمی‌نژاد و زینب یونسیان و به سردبیری آرش تنهایی و دبیر تحریری حسین گنجی در ۲۴۰ صفحه به چاپ رسیده است.

آنگاه هفتم

شماره هفتم «آنگاه» با موضوع «خیام؛ شاعر اکنون» منتشر شد. این شماره به عمر خیام، فیلسوف، ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و شاعر ایرانی اختصاص دارد.

آرش تنهایی در سرمقاله این شماره نوشته: «جامعه ناامید جامعه محکوم به زوال است، جامعه‌ای که در آن رشده‌با و بهمن‌بیگی‌ها معلمی نمی‌کنند؛ آدمیت‌ها و یار‌شاطر‌ها نمی‌یونسند؛ باکری‌ها و افتخار نمی‌آفرینند؛ جامعه ناامید جامعه محتضر است؛ بیماری که فقط مرگ خود را انتظار می‌گشدد. ما امیدواران کم‌شماریم، ابزار و امکاناتی نداریم جز دست‌ها و قلم‌هایمان. ما بی‌آنکه کاراری باشیم، خودمان را مقصر وضع موجود می‌دانیم. ما